

در بهشت چه خبره؟





مقدمه

بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء
محمد مصطفی و آل طاهرینش

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ ذَٰلِكَ
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

(توبه ایه 89)

خدا برای آنان بهشت هایی را آماده کرده است که از زیر
[درختان] آن نهرها جاری است، در آنجا جاودانه اند، این است
.کامیابی بزرگ.

خداوند مهربان در مقابل اطاعت بندگان از او، به آنها بهشت را هدیه
می کند.

بهشت همان موفقیت بزرگ برای هر انسانی است که به بهشت می
رود.

اما درباره اینکه در بهشت چه خبر است و آنجا چه نعمتهایی وجود دارد در این کتاب مطالب متنوعی آورده شده است.

انشالله خداوند بهشت را بر همه ما واجب فرماید.

پاییز 1405. کرمانشاه

در بهشت چه خبره؟ یکی از وظایف بین بنده و خدا اینه که عبد از خدا اطاعت کنه خدا هم در مقابلش پاداش میده ولو اینکه خدا وظیفه نداره پاداش به ما بده

ما وظیفه داریم از او اطاعت کنیم چون ما را خلق کرده و اینهمه به ما نعمت داده اما آنقدر خدا کریم است آنقدر مهربان هست میگه در مقابل هر یه رکعت نمازی که بخوانی انقدر بهت نعمت میدم در ... مقابل هر روزی که روزه بگیری اینقدر بهت پاداش میدم

در بهشت نماز دیگه حرامه تو بهشت کسی نمیتونه نماز بخونه میگن دیدند چند روز است مرحوم آیت الله قاضی ناراحته گفتن آقا شما چرا چند روزه ناراحتی؟ گفت چند روزه تو فکر این هستم اگر ما رو بردن بهشت و

نداشتن نماز بخوانیم چه خاکی به سر بکنیم؟

اونجا تو بهشت عدهای میرن سجده خدا می فرماید از سجده بلند شوید! دیگه حق سجده ندارید اینجا فقط لذت بردن است. نه نمازی نه روزه‌ای نه خمسی نه زکاتی حتی درخت ممنوعه هم

نداره.. تو بهشت واقعی بهشت اصلی درخت ممنوعه نیست که حالا آدم گول بخوره بره از اون درخت بخوره و اخراج بشه! هر کسی رفت تو بهشت دیگه از بهشت بیرون نمیداد اخراج تو بهشت نیست تو. این بهشت واقعی... تو بهشت اصلی

دستشویی وجود نداره اونجا اونجا مستراح نداره چرا چون هر چقدر انسان می خوره حتی یه تن می خوره یه تن مثلاً میوه می خوره غذا می خوره به صورت عرقی خوشبو از بدن خارج میشه دیگه اونجا سرویس بهداشتی نداره توی بهشت همچنین یه درختی که مثلاً ۵۰۰ تا سیب داره شما این ۵۰۰ تا سیب می چینید می خورید باز می بینی ۵۰۰ تا سر جاش

مثل شعله آتش. شما از شعله آتش هر چقدر ازش بردارید شعله آتش سر جاشه یا توی همین کامپیوتر کپی کردن شما از یه فایلی کپی می کنید ۱۰ هزار میلیارد بار کپی بکن باز این فایل اصلی سر جاشه. در بهشت هم همینجوره هر چقدر شما از اون میوه های بهشتی از غذاهای بهشتی بخورید کم نمیشه

بهترین غذاهاشم دیگه یکی اینه که قران فرموده: و لحم طير مما
يشتهون... هر گوشت پرنده بخواید هست. متها تا چه پرنده ای
دوست داشته باشید مثلاً بعضیا بوقلمون دوست دارن بعضیا کبک
دوست دارن.

لذا بستگی داره چه گوشتی رو شما دوست داشته باشید
در بهشت تا اراده کنید غذا و خوراکی آماده میشه. حتی بلند
نمی شی همونجوری که نشستی میگی خدایا همین الان من فلان
غذا رو می خوام فوراً جلوت آماده است دیگه اینکه آشپزخانه باشه و
بعد اجاق گاز باشه و گاز قطع بشه و گاز وصل بشه و کبریت بخوای
بزنی و فندک بخوای بزنی و بعد غذا شور در بیاد و غذا نیخته در
بیاد و این خبرا نیست اونجا غذا برای شما هر غذایی که بخواید در
حد عالی هست.

حالا چرا بعضی از این مردم تنبلی می کنند این ۱۷ رکعت نمازو
نمی خونن و از بهشت محروم میشن مال بی عقلی شونه بی عقلن اگه
عقل داشتن همین ۱۷ رکعت نمازو می خوندن یه ماه روزه هم
می گرفتن دیگه خدا باهاشون کاری نداشت چیزی زیادی خدا از
ما نخواسته ولی متأسفانه اکثراً به خاطر اینکه عقل ندارن بی عقل

چون قرآن میگه میگه اکثر مردم بی عقلن اگر عقل داشتند هرچی
خدا میگفت چون خدا دوستدار ما هست

میگند علاقه‌ای که مادر به بچه داره هزار برابر بیشتر خدا بندشو
دوست داره برای همینه ما رو آفریده اگه ما رو دوست نداشت که
ما رو نمی‌آفرید ما رو آفریده مرتب ما رو داره هدایت می‌کنه به
وسیله عقل و به وسیله پیامبران به وسیله علما به وسیله اولیا به وسیله
توبه ما رو هدایت می‌کنه

همچنین در بهشت تمام اجداد خودت رو اگر بهشتی باشن می‌بینید

پدران پدر و مادران مادر خودتان را اگه بهشتی باشند اونجا
می‌بینید و تمام فامیل‌های خودتو که قبل از شما از دنیا رفتن و شما
اونارو ندیدی اگه بهشتی باشن اونارو تو بهشت ببینی. بچه‌هایی که
در کودکی از دنیا میرن

اینا بهشتین اینا در بهشت وایمیستن اگه پدر مادرشون جهنمی باشن
می‌خوان اونارو ببرن جهنم اینام یک داد و بیدادی راه میندازن یه
گریه‌ای می‌کنن خدا که می‌دونید خیلی مهربانه میگه چرا گریه می
کنید؟ می‌گند چرا پدر مادر ما جهنم می‌برن؟ تا پدر مادر ما بهشت نیاند

ما بهشت نمیریم خدا می فرماید پدر مادرشان را بهشت ببرید... این
بچه هایی که در کودکی از دنیا رفتن اینا واسطه میشن دست پدر
..مادر کافر میگیرن میبرن بهشت

درسته گاهی آدم مصیبت زده می شود خدای نکرده بچه اش از دنیا
میره ولی در مقابل این مصیبت خدا جبران می کنه روز قیامت به
این صورت

در بهشت چه خبره؟ نقل است پیامبر(ص) از بهشت بازدید کرده
دیدند براس سختن قصر ها کارگرهای بهشت گاهی کار می کنند
ولی گاهی دست از کار می کشند..از جبریل علت را سوال
کردند. جبریل گفت هر موقع مومن ذکر میگه مثلا سبحان الله و
الحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر میگه، مصالح میرسه. ولی هر موقع
ساکت است مصالح نمی رسه...روایته که افرادی در بهشت از داشتن
خانه محرومند زیرا در دنیا عمدا کربلا نرفتند لذا در بهشت مهمان
..مردم میشند و از خودشان خانه ندارند

همچنین به عده ای در بهشت حوری نمیدند. چون برای دخترش
خواستگار مومن امداما پدر دختر مهریه سنگین پیشنهاد کرد لذا
ازدواج سر نگرفت. خدا هم پدر را در بهشت از حوری محروم می
کند! ... امام صادق علیه السلام فرمود اگر همه اهل دنیا مهمان
مومن در بهشت بشوند برای همه آنها غذا و جا دارد... وسعت بهشت
باندازه آسمانها و زمین است.. پس چرا عده ای بهشت را به بهایی
...اندک میفروشند؟ و خود را از بهشت محروم می کنند

در بهشت غم و غصه نیست.. شب نیست. خواب نیست. مریضی
نیست.. پیری نیست. مرگ نیست.. دعوا نیست. فقر نیست.. خرمای
...سلمان... هم نشینی با اهل بیت

انواع بهشتها

امام

باقر(ع): بهشتهایی که خدا در قرآن ذکر کرده است، بهشت

عدن، بهشت فردوس، بهشت

نعیم و بهشت مأوی است. و غیر از اینها بهشتهای دیگری است. آنچه را که

مؤمن در

بهشت در خواست کند، کافیت که بگوید: سبحانک اللهم! که خادمان

بهشت، هر چه را بخواهد، آماده

می کنند و بعد از بهره مند شدن از نعمت، می گوید: الحمد لله رب العالمین

بهشت در نهج البلاغه

علی (ع) در

خطبه 109 نهج البلاغه می فرماید: بهشت سرائی است که اقامت

کنندگان آن، هرگز

کوچ نمی کنند و احوالشان تغییر نمی نماید. خوف و ترسی به آنان

روی نمی

آورد. بیماری در وجود آنان رخنه نکند. خطرات متوجه آنان

نشود و سقری در پیش

ندارند تا اجباراً از محلی به محل دیگر کوچ نمایند

و در خطبة 165 می

فرماید: اگر با چشم دلت به آنچه از بهشت برایت توصیف می
شود، نظر اندازی، روح

از لذات و زخارف دنیا، کناره گیری خواهد کرد و فکرت درباره
درختهایی که شاخه

هایشان، همواره بهم می خورد و ریشه های آن در دل تپه هایی از
مُشک، بر

سواحل نهرهای بهشت فرو رفته اند، متحیر می شود! میوه های این
درختان، به

آسانی و

مطابق میل هر شخص، چیده می شود. میزبانان بهشتی از کسانی که
در بهشتند

و مقابل قصر آنان فرود آمده اند، با عسلهای مصفاوشرابهای پاکیزه که
مستی

ایجاد نمی کنند، پذیرائی می نمایند

!ده چیز در بهشت است

یکی از

بزرگان گفته است: این ده چیز در بهشت است: جوانی که با او پیری
نیست. * سلامتی

که بدنالش بیماری نیست. * سلطنتی که در او عزل نیست. * راحتی
که با او شدت

نیست. * نعمتی که با او محنت نیست. * بقائی که با او فنا
نیست. * حیاتی که با

او مرگ نیست. * عزتی

که با او ذلت نیست. * رضائی که با او سخت نیست. * اُنسی که
با او وحشت

نیست.

آل عمران 179:

وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ

یعنی: اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید، برای شما پاداشی بزرگ است.

که کلمهٔ اجر عظیم فراوان در قرآن آمده است. و مراد از آن یکی بهشت جاودان است و دیگری

رضای خداوند تبارک و تعالی

حورالعین*لباس بهشتی*موسیقی بهشتی*طوبی

امام صادق(ع):اگر

حورالعینی از حوریان بهشتی،خودش را به اهل

دنيا نشان بدهد، همهٔ اهل دنيا بي تاب شده ومي ميرند

رسول

خدا(ص):اگر لباسي از لباسهاي بهشت را به اهل دنيا

نشان بدهند، چشمانشان

تحمل ديدن آن را نخواهد داشت وهمه از كثرت لذت نگاه به

آن، بي تاب شده ومي ميرند

در

روایت است که: در بهشت درختانی است که زنگهایی از نقره بر
آن آویزان است. هنگامیکه

اهل بهشت، علاقه به شنیدن موسیقی دارند، خداوند بادی را از دل
عرش بر می

انگیزاند و این باد به درختهای مذکور می وزد و با به حرکت آوردن
زنگها، تولید

چنان صدائی می کند که اگر اهل دنیا آنرا بشنوند، از شدت طرب
وشادی، جان می

سپارند.

مردی از بزرگان جبل عامل هر سال به زیارت مکه مشرف می شد و هنگام

برگشت در مدینه محضر امام صادق

علیه السلام می رسید.

یک بار قبل از تشریف به حج، خدمت امام علیه السلام رسید و ده هزار درهم به ایشان داد و گفت: «تقاضا دارم با این مبلغ خانه ای برایم خریداری کنید»، سپس به قصد زیارت مکه معظمه از محضر امام علیه السلام خارج شد.

پس از انجام مراسم حج، خدمت امام صادق علیه السلام رسید و حضرت او را در خانه خود جای داد و نوشته ای به او مرحمت نمود و فرمود: خانه ای در بهشت برایت خریدم که حد اول آن به خانه محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم، حد دومش به خانه علی علیه السلام، حد سوم به خانه حسن مجتبی علیه السلام و حد چهارم آن به خانه حسین بن علی علیه السلام متصل است.

مرد که این سخن را از امام شنید، قبول کرد.

حضرت آن مبلغ را میان فقرا و نیازمندان از فرزندان امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام تقسیم کردند و مرد جبلی به وطن خود بازگشت.

چون مدتی گذشت، آن مرد مریض شد و بستگان خود را احضار نموده، گفت:
من می‌دانم آنچه امام صادق علیه السلام فرمود، حقیقت دارد. خواهش می‌کنم
!این نوشته را با من دفن کنید

پس از مدت کوتاهی از دنیا رفت و بنابر وصیتش آن نوشته را با او دفن کردند.
روز دیگر که آمدند، دیدند مکتوبی با خط سبز روی قبر اوست که در آن نوشته
شده: (به خدا سوگند! جعفر بن محمد به آنچه وعده داده بود وفا نمود!)

بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۱۳۴

عبداللّٰه فرزند سلمان فارسی از قول پدرش حکایت نماید: پس از گذشت ده روز از رحلت رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله، از منزل خارج شدم و در مسیر راه، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام مرا دید و فرمود

ای سلمان! تو بر ما جفا و بی انصافی کردی

عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! کسی مثل من، بر شما جفا نخواهد کرد، ناراحتی و اندوه من برای رحلت رسول اللّٰه صلّی اللّٰه علیه و آله مانع شد که بتوانم به ملاقات و زیارت شما موفق شوم

امام علیه السلام فرمود: ای سلمان! همین امروز بیا به منزل حضرت فاطمه سلام اللّٰه علیها؛ چون او علاقه دارد تو را ببیند و می خواهد که تحفه و هدیه ای را از بهشت تقدیم تو نماید

گفتم: آیا بعد از وفات رسول اللّٰه صلّی اللّٰه علیه و آله، فاطمه زهراء سلام اللّٰه علیها برای من تحفه بهشتی در نظر گرفته است؟

حضرت فرمود: بلی، دیروز فراهم شده است

پس من با سرعت روانه منزل آن بانوی جهان بشریت گشتم، هنگامی که وارد منزل ایشان شدم حضرت را مشاهده کردم که در گوشه ای نشسته و چادر کوتاهی بر سر خود افکنده است.

وقتی نگاه حضرت بر من افتاد، اظهار داشت: ای سلمان! پس از وفات پدرم بر من جفا نمودی!

گفتم: ای حبیبه خدا! فردی چون من چگونه می تواند بر شخصیتی مثل شما جفا کند؟

حضرت زهراء سلام الله عليها پس از آن فرمود: آرام باش، بنشین و در آنچه برایت می گویم دقت کن و بیندیش.

روز گذشته در حالی که درب منزل بسته بود، من در همین جا نشسته بودم و در غم و اندوه فرو رفته بودم.

ناگهان متوجه شدم که درب منزل باز شد و سه حوریه بهشتی که تاکنون فردی به زیبایی شکل آن ها ندیده بودم با اندامی نمونه و بوی عطر دل انگیز عجیبی، با لباس های عالی وارد شدند و من با ورود آن ها از جای خود برخاستم؛ و پس از

خوش آمد گوئی به آنان، اظهار داشتم: آیا شما از اهالی شهر مکه یا مدینه هستید؟

گفتند: ما اهل مکه و مدینه و بلکه از اهل زمین نیستیم، ما حورالعین می باشیم و از دارالسلام بهشت به عنوان دیدار با تو به اینجا آمده ایم.

پس من به یکی از ایشان که فکر می کردم از آن دو نفر دیگر بزرگ تر است گفتم: نام تو چیست؟

در جواب پاسخ داد: من مقدوده هستم؛ و چون علّت نامش را پرسیدم، گفت: خداوند مرا برای مقداد، اءسود کندی آفریده است.

سپس به دوّمی گفتم: نام تو چیست؟

گفت: ذره؛ وقتی علّت آن را سؤال کردم، جواب داد: من برای ابوذر غفاری آفریده شده ام.

و هنگامی که نام نفر سوّم را جويا شدم، گفتم: سلمی هستم، و چون از علّت آن

پرسیدم، اظهار داشت: من از برای سلمان فارسی مهیا گشته ام. و پس از آن

مقداری خرمای رطب که بسیار خوش رنگ و لذیذ و خوش بو بود به من هدیه

دادند.

سپس حضرت زهراء سلام الله عليها فرمود: ای سلمان! این خرما را بگیر و روزه خود را با آن افطار نما، و هسته آن را برایم بیاور.

سلمان گفت: من رطب را از آن حضرت گرفتم و از خدمت ایشان خارج شدم و چون به هرکس مرور کردم، اظهار داشت: آیا با خود مشکِ عطر همراه داری؟ و من می گفتم: بلی.

و چون رطب را در دهان نهادم و روزه خود را با آن افطار نمودم هسته ای در آن نیافتم، فردای آن روز بر حضرت زهراء سلام الله عليها وارد شدم و عرض کردم: رطب بدون هسته بود!

فرمود: آری، درخت آن را خداوند در دارالسلام بهشت، کشت نموده است با کلام و دعائی که پدرم رسول خدا آن را به من آموخته است تا هر صبح و شام بخوانم. اظهار داشتم: ای سرورم! آیا آن را به من تعلیم می نمائی؟

حضرت فرمود: هرگاه خواستی تب و ناراحتی تو برطرف گردد، این دعا را بخوان:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ النَّورِ، بِسْمِ اللَّهِ نُورِ النَّورِ، بِسْمِ اللَّهِ نُورٌ عَلَى نُورٍ،
بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّورَ مِنَ النَّورِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ، وَأَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ، فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ، فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ،
بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ، عَلَى نَبِيِّ مَحْبُورٍ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعَزِّ مَذْكُورٌ، وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ،
(. وَعَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

سلمان فارسی گوید: من این دعا را به بیش از هزار نفر از اهالی مدینه و مکه که
و به برکت این دعا و لطف خداوند، [1] مبتلی به تب شدید بودند تعلیم نمودم
[2]. جملگی شفا یافتند

پی نوشت ها

حقیر گوید: شفا گرفتن برای امراض و دردها به وسیله دعاها نیاز حتمی به [1]
ایمانی راسخ و عقیده ای کامل دارد، ضمناً شاهد احوال چندین کودک و
بزرگسال بوده ام که به وسیله و برکت همین دعا شفاء یافته اند

دلائل الامامة : ص 107، ح 35، بحارالانوار: ج 43، ص 66 68، ح 59، [2]
الخرايج و الجرايح ، ج 2، ص 533، ح 9